

متن پرسش

با عرض سلام خدمت جنابعالی چند سال پیش استاد مطیع در دانشگاه اصفهان نقل میکرد زمانی مرحوم امام از مرحوم ایت الله شاه ابادی پرسیده بودند برای تفسیر قران به چه کتابی رجوع نمایم ایشان فرموده بود دیوان حافظ و تا حدی مثنوی. با عنایت به اینکه شروح موجود یا از ناحیه اساتید ادبیات نوشته شده که چندان راهگشا نیست چون از عرفان نظری و عرفان عملی بی بهره هستند و اظهاراتشان در این زمینه رجم به غیب است و انصافا بیخود مانند شرح دکتر استعلامی بهروز ثروتیان حتی شرح سودی هم به قول دکتر خرمشاهی سودی ندارد زمانی حقیق مقداری انرا مطالعه میکردم به همین نتیجه رسیده بعد دیدم خرمشاهی هم چنین گفته هر چند حافظ نامه خودش هم راهی به جایی نمیرد شروح عرفانی مانند ختمی لاهوری هم بسیار از اصطلاحات عرفانی استفاده کرده و برای ما قابل استفاده نیست حتی جمال افتاب مرحوم سعادت پور هم با اینکه ایشان هم عرفان نظری و هم عرفان عملی را کار کرده اند خیلی قابل استفاده نیست و ظاهرا ان مرحوم به خوبی از عهده کار برنیامده البته تا جایی که بنده میفهمم برای همین پیشنهاد بنده این است که جنابعالی با توجه به اینکه هم با مبانی عرفانی آشنا هستید هم با قران و هم با دیوان حافظ مانوس و هم قلم روان و قابل استفاده دارید اگر در این زمینه قدمی بردارید با توجه به حرف امام به عنوان یک کتاب تفسیر قران فکر کنم گام موثری بشود در حافظ شناسی چون هم با روحیات و اهداف شما سازگار است هم از عهده کار بر میآید امید است خدا خیری بدست شما در این زمینه جاری فرماید. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: امیدوارم جامعه آمادگی آن را داشته باشد که بتواند با کتاب قرآن و عترت، با حافظ مانوس شود و متذکر غزلیاتی باشد که در آن غزلیات هستی به زبان آمده است. موفق باشید